

متن پرسش

سلام علیکم: بنده با توجه به اینکه سیر معرفتی شما را دنبال می‌کنم اما هنوز بعضی سوالات برای بنده حل نشده است البته خدا را شکر می‌کنم که شیعه هستم، ائمه را خیلی دوست دارم خدا را، حجاب را، نماز را و... با وجود اینکه مانند سایرین از وضع خوبی برخوردار نیستم خیلی از خدا راضیم و اگر نارضایتی باشد از خودم ناراضیم. آیا این راضی به رضای خدا بودن نوعی ایستایی در زندگی نیست؟ با این وضع یکی از سوالاتی که برای یکی از دوستان پیش آمد و من نتوانستم جواب بدهم این بود که چرا شما می‌گویید شیعه حق است؟ با توجه به این که جمعیت زیادی اهل دین های دیگر هستند و یا مذهب سنی نسبت به شیعه جمعیت زیادی را در بر دارد؟ حال آیا این که پاسخ کاملی نتوانم به این سوالات بدهم این دلیل این است که بنده در اعتقادات ضعیف هستم با وجود اینکه اعمال واجب را حتی الامکان به جا می‌آورم حتی مستحبات را؟ و آیا اینها از قشر سوالاتی است که ممکن است در برزخ برای بنده پیش آید؟ لطفاً پاسخ را فقط به ایمیل بنده ارسال کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- راضی‌بودن به رضای خدا به آن معنا است که متوجه ارزش الطاف الهی که به ما شده است باشیم و به این معنا نیست که بیکار باشیم و جهت کمال برتر، تلاش نکنیم ۲- گاهی موضوعات برای خودمان حل است و متوجه می‌شویم با شیعه‌بودن به آنچه لازم است برسیم می‌رسیم و گاهی باید خود را آماده کنیم تا شبهاتی که برای دیگران پیش می‌آید را جواب بدهیم. حال اگر نتوانیم جواب شبهات دیگری را بدهیم به این معنا نیست که در عقاید خود مشکل داریم، بلکه بدون آن شبهات سیر خود را ادامه داده‌اید. آری بقیه‌ی ادیان باید از خود بپرسند آیا واقعاً همه‌ی آنچه برای زندگی معنوی در دین خود جستجو می‌کنند کافی است؟ آیا دینی که برای خدا، پسری قائل است، راضی‌کننده است و یا به قول «یاسپرس» با هزار وصله‌پینه باید خود را قانع کنیم؟ و یا دینی که برای ادامه‌ی خود نظر به امام معصوم ندارد دین کامل و قانع‌کننده‌ای است؟ موفق باشید